



پیمان بزرگ‌نیا از حضور موسیقی نواحی در جشنواره موسیقی فجر می‌گوید

دلخوشان به امید

متأسفانه در سال‌های اخیر نگاه به این موسیقی محکوم و در فعالیت‌های پژوهشی و کاربردهای موزه‌ای بوده است، در حالی که باید وجوه مردمی و اجرایی آن هم مورد توجه قرار بگیرد

موزه‌ها می‌دانند. جشنواره موسیقی فجر اما یکی از سال‌های است بخشی مجزا برای اجرای هنرمندان این گونه راه انداخته و مسئولیتش را به یکی از اهالی موسیقی نواحی سپرده است. پیمان بزرگ‌نیا در دوره سی‌ویکم و سی‌دوم جشنواره موسیقی فجر مسئولیت اداره این بخش را به عهده داشت و توانست در حد بضاعت گروه‌های خوبی را برای گردهم آمدن در مهم‌ترین جشنواره موسیقی کشور دور هم جمع کند. با او درباره حضور هنرمندان نواحی در سی‌ودومین جشنواره موسیقی فجر گفت‌وگو کرده‌ایم. این گفت‌وگو را در ادامه مطلب بخوانید:

شما در سال گذشته هم مسئولیت برگزاری بخش نواحی جشنواره فجر را برعهده داشتید. با این توضیح برای برگزاری بهتر بخش نواحی جشنواره فجر چه اقداماتی انجام دادید؟

تلاش ما این بود تا در جشنواره امسال در بخش نواحی از تمامی توانایی‌هایی این موسیقی در جذب مخاطب استفاده کنیم. همان‌طور که

مواجه نمی‌شدند. هرچند، این بخش در موسیقی نواحی اهمیت بالایی دارد اما بهتر است در بخش پژوهشی در جشنواره‌ها اجرا شود تا مخاطب خاص خودش را داشته باشد. ما برای جشنواره فجر امسال بخشی با همین رویکرد داشتیم که روز چهارشنبه در بخشی با عنوان خنیاگران پنج اقلیم اجرا شد. در آن بخش سعی کردیم نگاه پژوهشی را بر جذب مخاطب عام غالب کنیم تا بخش علمی موسیقی نواحی به‌عنوان یکی از اصول حفظ و حراست از این موسیقی ملی مورد توجه قرار گیرد. این بخش برای مخاطب خاص و اقوامی همچون قشقایی‌های مقیم مرکز، بختیاری‌های مقیم مرکز، گیلانی‌های مقیم مرکز و ... مورد توجه است و بیشتر از سوی این مخاطبان با استقبال روبه‌رو شد.

چیدمان اجراها در بخش نواحی در سه سالن برج آزادی، تالار رودکی و فرهنگسرای نیابوران تنوع جغرافیایی بیشتری در مقایسه با سال قبل جشنواره داشت که اجراهای نواحی فقط در فرهنگسرای نیابوران برگزار می‌شد...

بله، درست است. امسال برنامه‌ریزی بخش نواحی دقیق‌تر انجام شد. دبیر جشنواره فجر آقای نوربخش توجه ویژه‌ای به این بخش داشتند و همین توجه باعث شد تعداد اجراهای موسیقی نواحی در جشنواره سی‌دوم فجر حدود سه برابر شود. بانوان نواحی و گروه آوای موج در نیابوران

گروه دیلمون و حاوا در روز دوم به روی صحنه رفتند. به دلیل مصادف شدن اجرای این دو گروه با مرگ آقای رفسنجانی اجرای این دو به تعویق افتاد و قرار شد هر دو در یک روز برگزار شود. با این توضیح که بلیت‌های اجرای این دو گروه در آن زمان به فروش رفته بود، ما به خاطر به تعویق افتادن اجراها نگران بودیم. بیم ما این بود مخاطبانی که بلیت را برای چند روز قبل تهیه کرده بودند، در روزی که بعداً مشخص شد زمان نداشته باشند و نتوانند به سالن‌ها بیایند اما خوشبختانه سالن برای هر دو اجرا کاملاً پر بود. گروه حاوا مربوط به موسیقی قشقایی بود و خانم پروین بهمنی آن را سرپرستی می‌کرد. گروه دیلمون هم مربوط به موسیقی گیلان بود و آقای فرضی‌نژاد آن را سرپرستی می‌کرد. آقای احسان عبدی‌پور امسال گروه سوربانگ را به جشنواره آورد و مهران غضنفری خواننده خوب لرستانی این اجرا را همراهی کرد. گروه چریکه هم امسال از کرمانشاه به جشنواره فجر آمد که سلمان حسینی سرپرستی آن را برعهده دارد و فواد حسینی به‌عنوان خواننده، این گروه را همراهی می‌کند. آقای محمدابراهیم عالمی هم از مازندران به جشنواره آمده‌اند و سرپرستی گروه شوش را برعهده داشتند. آقای شریفیان هم با گروه لیان از منطقه بوشهر در جشنواره سی‌دوم حضور داشتند.

تجلیل از هنرمندان نواحی مختلف هم اتفاق جالبی بود که امسال با نگرشی متفاوت و همسراه با اجرای همان ناحیه برگزار شد... بله، مساعی کردیم با چیدمانی جذاب و البته شایسته تقدیرنامه‌هایی را به بزرگان نواحی مختلف هدیه کنیم و آقای نوربخش دبیر جشنواره هم با ما در این برنامه کمک کردند. در اجرای بوشهر از آقای

استاد رسول زنگشاهی پهلوآن پرچستموسیقی بلوچستان، به‌خاطر دیابت باید دو پایش را قطع می‌کرد اما برای تأمین هزینه این جراحی با مشکل روبه‌رو شد و دو ماه معطل ماند تا این مبلغ آن هم به‌دست دوروبری‌هایش جمع و جور شود. در نهایت یکی از خیرین بلوچ در این اقدام پیشقدم شد و برای این هنرمند ارزنده پای مصنوعی خریداری کرد.

اجرای برنامه کردند. گروه دیلمون، حاوا، ایل بانگ و سوربانگ در آزادی برنامه خود را روی صحنه بردند و گروه لیان، شوش، چریکه و خنیاگران پنج اقلیم کنسرتشان را در رودکی اجرا کردند. به نظر من تقسیم اجراها در سه سالن مختلف اتفاق خوبی بود.

آینده موسیقی نواحی در حوزه اجرایی را چگونه می‌بینید؟ به‌نظر من اگر برنامه‌ریزی در موسیقی نواحی ایران اصلاح شود، می‌تواند آن‌گونه که شایسته است خود را نشان دهد. متأسفانه در سال‌های اخیر نگاه به این موسیقی محدود به فعالیت‌های پژوهشی و کاربردهای موزه‌ای بوده است، در حالی که باید وجوه مردمی و اجرایی آن هم مورد توجه قرار بگیرد. من به آینده موسیقی نواحی امیدوارم، به شرطی که بدانیم در هر گروه‌هایی براساس مدیوم آن گام برداریم و از نگاه‌های خشک، تعصبی و البته غیر تخصصی دوری کنیم.

من در این بخش فعلاً با اصالت برخی گروه‌های موسیقی نواحی که این روزها در کشور کارشان مورد توجه است کاری ندارم اما این گروه‌ها با رویکرد نواحی و انجام تبلیغات مناسب توانسته‌اند جایگاه مشخصی در میان جامعه پیدا کنند و در همه اجراهای شان مردم سالن‌ها را پر کنند. این اتفاق نشان می‌دهد که موسیقی نواحی ما در ایران با این همه گوناگونی و جذابیت می‌تواند در بخش عمومی هم در جامعه مورد توجه قرار بگیرد و قرار نیست فقط با نگاهی موزه‌ای و ایزوله در جایی دور از توجه عموم نگهداری شود.

البته من می‌دانم که وجود هنری و اصیل گروه‌های مختلف با هم متفاوت است و برخی از گروه‌ها برای جذب مخاطب تغییرات بنیادینی را در بدنه موسیقی ناحیه و منطقه خودش اعمال می‌کنند اما معتقدم اگر کار گروه‌هایی که اصالت را در اجرای موسیقی منطقه خودشان مورد توجه قرار داده‌اند، با تبلیغات برنامه‌ریزی شده و قدرتمند به اطلاع مردم برسانیم، چون این نوع موسیقی برآمده از فرهنگ و زادبوم ایرانیان است و در گوشت و پوست و خون همه ما ریشه دارد، مورد استقبال قرار خواهد گرفت و حتی می‌تواند در آمد مناسبی را عاید هنرمندان فعال در موسیقی نواحی کند. در جشن اختتامیه جشنواره موسیقی فجر در دوره سی‌دوم از استاد رسول زنگشاهی پهلوآن برجسته موسیقی بلوچستان تجلیل شد. این هنرمند جزو ماندگارن موسیقی بلوچستان است. این استاد به دلیل دچار شدن به بیماری دیابت به تشخیص پزشکان باید دو پایش را قطع می‌کرد اما برای تأمین هزینه این جراحی با مشکل روبه‌رو شد و دو ماه معطل ماند تا این مبلغ آن هم به دست دوروبری‌هایش جمع و جور شود. در نهایت یکی از خیرین بلوچ در این اقدام پیشقدم شد و برای این هنرمند ارزنده پای مصنوعی خریداری کرد.

مخاطب تغییرات بنیادینی را در بدنه موسیقی ناحیه و منطقه خودش اعمال می‌کنند اما معتقدم اگر کار گروه‌هایی که اصالت را در اجرای موسیقی منطقه خودشان مورد توجه قرار داده‌اند، با تبلیغات برنامه‌ریزی شده و قدرتمند به اطلاع مردم برسانیم، چون این نوع موسیقی برآمده از فرهنگ و زادبوم ایرانیان است و در گوشت و پوست و خون همه ما ریشه دارد، مورد استقبال قرار خواهد گرفت و حتی می‌تواند در آمد مناسبی را عاید هنرمندان فعال در موسیقی نواحی کند. در جشن اختتامیه جشنواره موسیقی فجر در دوره سی‌دوم از استاد رسول زنگشاهی پهلوآن برجسته موسیقی بلوچستان تجلیل شد. این هنرمند جزو ماندگارن موسیقی بلوچستان است. این استاد به دلیل دچار شدن به بیماری دیابت به تشخیص پزشکان باید دو پایش را قطع می‌کرد اما برای تأمین هزینه این جراحی با مشکل روبه‌رو شد و دو ماه معطل ماند تا این مبلغ آن هم به دست دوروبری‌هایش جمع و جور شود. در نهایت یکی از خیرین بلوچ در این اقدام پیشقدم شد و برای این هنرمند ارزنده پای مصنوعی خریداری کرد.

گفت‌وگو با وحید تاج از حضور در جشنواره موسیقی فجر تا وضع موسیقی در این سال‌ها

رسالتم اجرای هنر است، نه انتقاد



قطعاً از این آثار را خودم قبلاً خوانده بودم و مابقی را هم دوست داشتم و توانستم با نوع کارها ارتباط خوبی برقرار کنم. از سبوی دیگر توانستم ارتباط خوبی با آقای عبدی و هنرمندان فعال در گروه خنیاگران مهر برقرار کنم و بر همین اساس گمان می‌کنم ما اجرای خوبی را در جشنواره موسیقی فجر در دوره سی‌دوم پشت سر گذاشتیم. مردم هم از ما استقبال خوبی کردند و ما واقعاً مایه خوشحالی بود. به‌نظر خودتسان وحدت و لحاظ ظریفیست و امکانات سخت‌افزاری برای اجرای شما مناسب بود؟

بله، تالار وحدت جزو بهترین سالن‌های ایران است و من فکر می‌کنم بهترین سالن برای اجرای موسیقی است. البته فقط باید از یک نکته هم صحبت کنم. متأسفانه اجرای ما با حدود ۳ ساعت تأخیر اجرا شد که در ابتدا نگران‌کننده به‌نظر می‌رسید اما خوشبختانه مردم عزیز با صبر و حوصله تا پایان اجرا در سالن ماندند و ما را سرزنش خودشان کردند. اجرای کنسرت ما با این تأخیر تقریباً تا پاسی از شب به طول انجامید.

علت تأخیر در اجرای شما چه بود؟

ظواهر اجرایی که این‌بار روز آغاز شده بود هر کدام با کمی جابه‌جایی آغاز شد و همین موضوع باعث شد تأخیرها برای تحویل سالن روی هم جمع شود و نوبت به اجرای ما که رسید حدود دو ساعت جابه‌جایی در زمانی که در ابتدا اعلام کرده بودند، پیش بیاید.

اگر قرار باشد به‌عنوان یکی از فعالان در عرصه موسیقی ایرانی، پیشنهادی را برای برگزاری هر چه بهتر جشنواره فجر در سال‌های آینده مطرح کنید، چه خواهید گفت؟

به هر حال کار کردن در عرصه موسیقی در این مملکت خیلی سخت است و کسی که قرار است در این راه به انجام فعالیت فرهنگی مشغول شود، باید موانع زیادی را پشت‌سر بگذارد. این موانع حتی در جشنواره فجر هم برای هنرمندان و برگزارکنندگان وجود دارد و ما خودمان را برای همه آنها آماده کرده‌ایم. همین‌جا از آقای نوربخش به‌عنوان دبیر جشنواره دوره سی‌دوم تشکر و قدر دانی می‌کنم چون زحمات زیادی برای برگزاری هر چه بهتر جشنواره در این دوره کشیدند. البته آقای نوربخش سال‌های سال است که برای موسیقی ایران زحمت می‌کشند و برای رشد و اعتدالی این هنر ارزنده کوشش می‌کنند. من از همه کسانی که در جشنواره حضور داشتند و برای برگزاری هر چه بهتر این اتفاق مهم فرهنگی تلاش کردند هم باید تشکر کنم.

گوناگون عادلانه و برابر بوده است یا خیر؟ به‌نظر من پاسخ این پرسش را باید مسئولان امر بدهند. راستش را بخواهید من صلاحیت پاسخ به این سوال را ندارم اما فکر می‌کنم مردم ما به انواع موسیقی احتیاج دارند و همه گونه‌های هنر را دوست می‌دارند. با این توضیح نمی‌توان انتظار داشت که همه توجه‌ها صرفاً به نوع خاصی از موسیقی باشد. من فکر می‌کنم باید در همین حد اظهار نظر کنم.

است این جشنواره‌ها زیرمجموعه‌ای مرتبط با جشنواره فجر باشند یا به شکل مستقل برپا شوند. به نظر من هر چقدر اجراها از مقیاس کیفی و کمی بالاتری برخوردار باشند، مردم نسبت به هنر سرزمین‌شان (در این‌جا موسیقی) احساس بهتری خواهند داشت. به‌هر حال این جشنواره‌ها می‌توانند به فرهنگ کشور کمک کنند.

به‌نظر شما چیدمان امکانات جشنواره فجر برای گونه‌های مختلف موسیقی فارغ از تعلق‌شان به ژانرهای

مخاطب تغییرات بنیادینی را در بدنه موسیقی ناحیه و منطقه خودش اعمال می‌کنند اما معتقدم اگر کار گروه‌هایی که اصالت را در اجرای موسیقی منطقه خودشان مورد توجه قرار داده‌اند، با تبلیغات برنامه‌ریزی شده و قدرتمند به اطلاع مردم برسانیم، چون این نوع موسیقی برآمده از فرهنگ و زادبوم ایرانیان است و در گوشت و پوست و خون همه ما ریشه دارد، مورد استقبال قرار خواهد گرفت و حتی می‌تواند در آمد مناسبی را عاید هنرمندان فعال در موسیقی نواحی کند.